

واندیشه دموکراسی در ایران

فریدون آدمیت اندیشمند و مورخ پژوهشگری که روزگارش در پی بازنگری، تتبع، تحقیق، تحلیل و نقد تاریخ ایران قاجاری، به ویژه ظهور فکر آزادی و موشکافی انقلاب مشروطیت و پیامدهای آن همه در تلاش بی‌وقفه جهت آگاه ساختن مردم ایران از واقعیات اجتماعی و سیاسی این دوره از تاریخ ایران گذشت. او عمری از تاریخ ایران را مورد بررسی و بازنگری قرار می‌دهد که رسالت و مسئولیت تاریخی شاهان قاجاری یکی پس از دیگری به سبب از دست دادن سرزمین‌هایی در شمال ارس و اترک، هرات و نیمی از بلوچستان و سیستان در شرق، سلیمانیه در غرب و ناکامی در اعاده حاکمیت ایران بر بحرین از یک سو، تن در دادن به قراردادهای نابرابر در نیمه اول قرن نوزده و اعطای امتیازات پی‌درپی در نیمه دوم این قرن از سوی دیگر به تدریج نظام استبدادی مورد انتقاد و چالش قرار می‌گیرد. بخصوص از دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه به بعد فکر آزادی و حمله به اصول استبداد تجلی ویژه پیدا کرد.

در این رهگذر آدمیت نقش و جایگاه مصلحان اصلاح طلب و مساعی آنها را در این رابطه مورد بررسی و نقد قرار داد. تعلیق، توقف و نافرجامی جریان اصلاح طلبی را از جمله دلایل بروز افکار آزادخواهانه بشمار آورده است. در این زمینه او جایگاه ویژه‌ای برای امیرکبیر و اصلاحات او در عرصه‌های اداری، نظامی، سیاسی و غیره قائل بوده.

مدیریت، کارآیی و اتخاذ تدابیر مقتضی و سریع در برخورد با مسائل و بحران‌های داخلی و خارجی را ارج می‌نهد. در مورد سرعت تصمیم‌گیری امیر در برخورد با حوادث پیش آمده اخبار گوناگونی گزارش شده است. چنان‌که وقتی به امیر گزارش می‌شود که در تبریز گاوی زخم خورده از سلاح خانه فرار نموده و در زیر درختی پناه می‌گیرد پیش‌نماز محل خواب‌نما می‌نماید که درخت مورد بحث معجزه‌ده است. در پی انتشار این خبر جمعیت انبوه هر روز به سوی این محل رهسپار می‌شوند. و از سوی کنسول انگلیس در تبریز نیز فانوس‌هایی جهت استفاده شبانه به محل مقدس ارسال می‌شود. امیر که نیک می‌دانست این نوع خواب‌نمایی‌های خرافی بلوایی در پی دارد، فوراً دستور می‌دهد که گاو در همان محل پناه گرفته ذبح گردد، درخت قطع شود و پیش‌نماز نیز در همان محل تعزیر شود و بدین ترتیب از وقوع بلوای طراحی شده جلوگیری می‌شود. آدمیت بیش از هر چیز در پی روشن ساختن راز و رمز قتل امیرکبیر برمی‌آید. او بر اساس اسناد دست اول و معتبر دلایل و عوامل برکناری امیرکبیر و چگونگی قتل او و نقش اشخاص ذیربط داخلی و خارجی را مشخص می‌نماید و بدین ترتیب از ابهامات و مطالب ساختگی پیرامون پایان روزگار امیرکبیر پرده برمی‌دارد و بر آن می‌شود با ارائه تصویر درستی از وطن‌پرستی یا بیگانه‌ستیزی، پاکدامنی و مدیریت امیرالگویی الهام‌بخش برای رجال بعدی و نسل‌های آینده ایران ارائه می‌نماید. آدمیت قصد و نیت اصلاح طلبانه میرزا حسین خان سپهسالار و مساعی او را در این راه ارج می‌نهد و نافرجامی در این روند را ناشی از ساختار نظام استبدادی می‌داند و می‌گوید با وجود آنکه بعد از میرزا حسین خان فکر ترقی در دستگاه حکومت هیچگاه نمرد، ولی هر کوشش اصلاح طلبانه باطل گشت.

در مقابل ناکامیها و نافرجامیها در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اداری و سیاسی در دورانی که آن را عصر امتیازات یا عصر بی‌خبری نامیده‌اند، به تدریج هشیاری اجتماعی در پرتو آگاه‌سازی مطبوعات، ادبیات انتقادی اعتراض مردمی به صورت جلوه‌های گوناگون تجلی یافت. در این رابطه امتیاز تنباکو به عنوان نقطه عطفی از لحاظ خیزش عمومی در قبال سیاست اقتصادی حکومت ظاهر گردید. با این‌که در مخالفت با قرارداد رژی اقشار مختلف مردم حضور داشتند، و در این رابطه بسیاری از محققان نقش ویژه‌ای برای اعلام تحریم میرزای شیرازی قائل هستند، ولی آدمیت نقش محوری را در این قضیه از آن تجار و اصناف می‌داند. به دیگر سخن خیزش بورژوازی نوحاسته ایران در رویارویی با رقبای خارجی آنهم در امری که مؤسسات و کشاورزان ایرانی شایستگی

لازم برای انجام این مقصود داشتند. نقش تجار و اصناف در قضیه رژی تداعی کنندۀ رویارویی بورژوازی نوخاسته اروپای بعد از انقلاب صنعتی با انحصارگران یهودی در امور صرافی، بانکداری، مالی و اقتصادی بود. تا حدودی ریشه تعصبات ضدیهودی ناشی از همین تعارض منافع بین بورژوازی مورد بحث و اقلیتی بود که سنتاً انحصار امور صرافی، بانکداری و مالی را در دست داشتند. کوتاه سخن آن که از دیدگاه آدمیت نقش محوری در خیزش عمومی علیه قرارداد رژی از آن بازرگانان بود با استعانت روحانیت. با توجه به این که بعضی از روحانیون وقت چون سید عبدالله بهبهانی در این مورد موضع متفاوتی داشتند. بدین ترتیب در ربیع آخر سلطنت ناصرالدین شاه حمله به استبداد با بی‌پروایی بیشتر نمودار گردید و به موازات آن فکر آزادی، عدالتخواهی و مشروطیت نمود بیشتری پیدا کرد. در این دوره از برجسته‌ترین متفکران و مبلغان سیاسی عبارت بودند از میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا عبدالرحیم طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک و سید جمال‌الدین اسدآبادی. آدمیت گو این که سید جمال‌الدین اسدآبادی را مروج اخذ دانش و علم جدید، نقاد حکمت کلاسیک، داعیه‌دار اصلاحات، هاتف پیکار با استعمار غربی و از سازندگان ناسیونالیسم عرب می‌داند ولی نقش او را در رابطه با اشاعه فکر آزادی و رویش نهضت مشروطیت در ایران حاشیه‌ای تلقی می‌نماید.

از دیدگاه آدمیت جنبش همگانی و اعتراض عام را سه عنصر اجتماعی به وجود آوردند: ترقی خواهان روشنفکر، علما و بازرگانان. در این میان او عنصر روشنفکر را نماینده حرکت ترقی و آزادی خواهی می‌شناسد. در همین رابطه او می‌گوید وجه نظر کلی این سه گروه در بعضی مسائل مشترک، در برخی امور متمایز و در پاره‌ای دیگر به کلی مغایر ولی همه آنها به درجات از حرکت روشنفکری متأثر شده بودند. به دیگر سخن گو این که از نظر آدمیت مکتب‌های فکری مختلف در ترویج و پیشبرد اندیشه‌های اجتماعی و سیاست عصر نهضت مشروطیت مشارکت داشتند ولی در مرکز تعقل اجتماعی این زمان دموکراسی سیاسی قرار دارد که نیرومندترین عناصر ایدئولوژی حرکت مشروطه خواهی را می‌سازد و حاکم بر هیأت مجموع عقاید و آراء سیاسی است. در حاشیه راست آن مفهوم مشروطگی طبقه روحانی جای گرفته که با دید انفعالی روی آن به دموکراسی است، اما قوه شریعت آن را می‌هراساند و از مرکز می‌گریزند. در حاشیه چپ آن فکر دموکراسی اجتماعی متجلی به ارزشهای سوسیالیستی که در تشکل حرکت مشروطیت و ایدئولوژی آن نفوذی نداشت ولی پس از تأسیس حکومت ملی در

فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران

نوشته

فریدون آدمیت

۳۹۳



چاپ اول: فروردین ۱۳۵۴

مجالس دوم و سوم به بعد ظاهر گردید. بالاخره در راست افراطی مدعیان مشروطه مشروعه یا روحانیون شریعت پناه بودند که در مقابل جبهه ملایان مشروطه خواه صف آراییی نموده بودند. این گروه شریعت پناه ظاهراً در دو جناح بودند ولی معنأ در هدف نهایی مشترک. یکی خواهان مجلس شورای ملی اسلامی، مجلسی که مدارش بر احکام شریعت باشد. دیگری یعنی جناح متشرعان راست افراطی که اساس مجلس، مشارکت عمومی و قانون موضوعه و هر چه اندک مغایرتی با قواعد دینی داشته باشد مردود می شناخت. در واقع هر دو جناح در طلب نفی مطلق نظام مشروطه بودند و دو اصل بزرگ آزادی و مساوات را مؤدی خراب کننده رکن قانون الهی می دانستند. زیرا از دیدگاه آنها قوام اسلام به عبودیت است نه آزادی و بنای احکام آن به تفریق مجتمعات و جمع مختلفات است نه مساوات.

آدمیت انقلاب مشروطیت را جنبشی اصیل و براساس مقتضیات زمان امری ضروری می دانسته است، ولی او با نوعی افسردگی درباره بحران مشروطیت سخن می راند. در این مورد باید اذعان داشت که بحران مشروطیت صرفاً ریشه داخلی نداشت، نقش دو همسایه شمالی و جنوبی را در عقیم ساختن جریان مشروطیت و ایجاد موانع در جهت توسعه آن نباید نادیده گرفت. زیرا برای روسیه تزاری که یکسال قبل از انقلاب مشروطیت ایران، انقلاب مشروطه ۱۹۰۵ را در کشور خود سرکوب نموده بود به هیچ وجه قابل تحمل نبود که انقلاب مشابهی در کشور همسایه‌ای که در آن قویاً ذینفع و ذیمدخل بود موفق و پایدار بماند؛ به‌ویژه که تعدادی از سوسیال دموکراتهای فعال در انقلاب ۱۹۰۵ در انقلاب مشروطیت ایران نیز نقش حاشیه‌ای داشتند. از سوی دیگر حمایت انگلستان از انقلاب مشروطیت جنبه ابزاری داشت. نخستین نیت این دولت آن بود که با توجه به نگرانیهای حکومت تزاری از انقلاب سرکوب شده ۱۹۰۵ و پیامدهای آن، از انقلاب مشروطیت ایران بعنوان اهرم فشاری برای جلب موافقت این کشور با تقسیم ایران به مناطق نفوذ، استفاده نماید. پیشنهادی که در ۱۸۹۵ برای حصول این مقصود ارائه شده بود و مورد پذیرش روسیه تزاری قرار نگرفته بود. دومین قصد انگلستان بر آن بود در صورت عدم پذیرش روسیه، حداقل دربار را از زیر نفوذ مسلط روسیه خارج نماید و نوعی آزادی نیم‌مرده بر ایران حاکم شود. زیرا انگلستان نیک می دانست که با زوری، شکوفایی و توسعه مشروطیت در ایران به منزله جرقه‌ای خواهد بود برای اشتعال جنبش آزادی در شبه قاره هند. لذا وقتی قصد اولیه بریتانیا تحقق پیدا کرد، یعنی روسیه با تقسیم ایران به مناطق نفوذ موافقت نمود، آن هم یکسال بعد از

انقلاب مشروطیت ایران، بدین ترتیب کلیه رویدادهای سیاسی بعد از ۱۹۰۷ با تفاهم دو دولت مزبور بود یعنی با موافقت روسیه و رضایت انفرادی انگلستان، آنچه از آن آدمیت بعنوان بحران مشروطیت یاد کرده در حقیقت چیزی نبود جز فرایند عمل مقاصد دو دولت استعماری وقت با بهره‌گیری از برخی ایادی داخلی. به دیگر سخن اینک که هر دو دولت توسعه، شکوفایی و نهادینه شدن مشروطیت را مخالف منافع سیاسی خود می‌دانستند بر آن شدند مشروطیت عقیم شده چون چراغ نیم‌مرده‌ای به حیات خود ادامه دهد و در ضمن منافع استعماری آنها نیز کم و بیش پابرجا بماند. به همین جهت از آزادی مورد نظر مشروطه‌خواهان به‌ویژه آزادی سیاسی تنها سوسویی باقی ماند و بس. بی‌شک آدمیت ایرانی آزادی‌خواه معتقد و مؤمن به آزادی به‌ویژه دموکراسی سیاسی بود و او همواره بر آن بود مادامی که دموکراسی سیاسی در ایران پا نگیرد نه تنها دموکراسی اجتماعی تحقق جدی پیدا نخواهد کرد، بلکه توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز روندی مستمر و نهادینه شده نخواهد بود، بلکه سرشتی مقطعی خواهد داشت. او نیک می‌دانست که آزادی و آبادی دو بال مرتبط و مکمل یکدیگرند. چنان که امروزه نیز اعتقاد عمومی بر آن است که امنیت، توسعه پایدار و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگرند. به همین جهت آدمیت ضمن آنکه مساعی امیرکبیر را برای اصلاحات در ایران می‌ستاید، تلاشهای میرزا حسین خان سپهسالار را به نحوی ارج می‌نهد و در همین راستا به تکاپوهای کوتاه مدت امین‌الدوله برای اصلاحات بها می‌دهد. ولی علت‌العلل ناکامیها و نافرجامیهای مساعی مذکور را فقدان آزادی به‌ویژه دموکراسی سیاسی می‌داند. این اعتقاد و باور آدمیت تنها محدود به دوران قاجاریه و بحران مشروطیت نبوده بلکه فقدان دموکراسی سیاسی و پیامدهای منفی آن را در حکومت‌های بعدی ایران می‌بیند. او از هر تفکر سیاسی که در جهت برقراری دموکراسی، آزادیهای اساسی و حکومت قانون برای ایران نباشد در مقام انتقاد برآمده است چنان که در جزوه آشفتنگی در فکر تاریخی نظرات شریعتی و آل‌احمد را با دیدی کاملاً انتقادی به نقد می‌کشد.

آدمیت همچون بسیاری از ایرانیان آزادیخواه نسبت به حفظ تمامیت ارضی ایران و اعاده حاکمیت ایران بر سرزمین‌های تاریخی مورد اشغال و مناقشه شدیداً در مقام دفاع برآمده است. چنان که در رابطه با اختلافات ایران - انگلیس بر سر جزایر بحرین او بر اساس دلایل تاریخی، حقوقی و سیاسی به اثبات حقانیت ایران و رد ادعاهای بریتانیا پرداخته و در این رابطه از این که در فرصت‌های مناسب استفاده بهینه برای پی‌گیری این

حقوق تاریخی نشده دید انتقادی اندوهبار دارد. این دید انتقادی اندوهبار دوچندان
شدیدتر پس از توافق ۱۹۷۰ ایران و انگلیس بر سر مسئله بحرین و چشم‌پوشی ایران از
حقوق تاریخی خود بر مجمع‌الجزایر مزبور ظاهر می‌شود.
راهش پایدار و یادش جاودانه باد!

انتشارات روزبهان منتشر کرد: *مطالعات فرهنگی*

● بوستان سعدی / شرح و توضیحات عبدالعظیم قریب و یحیی قریب /

۳۷۶ ص / ۳۰۰۰ تومان

● گلاب اندر قدح / نگاهی به زندگی و اشعار حافظ / جواد عامری / ۵۶۸ ص /

۲۲۰۰ تومان

● بر جاده‌های آبی سرخ (۳ جلد) / نادر ابراهیمی / ۱۴۰۰۰ تومان

انتشارات روزبهان - تهران - خیابان انقلاب - رویروی

دانشگاه تهران - پلاک ۱۳۴۲

تلفن: ۶۶۴۰۸۶۶۷